



# بازگشت به راهبرد صبر استراتژیک

## مروری بر سه مرحله استراتژی ایران در قبال تحولات پس از طوفان الاقصی

که به نظر می‌رسد در همین چند سال گذشته، نیروهای مقاومت در منطقه به میزانی از بالندگی و خودکفایی رسیده‌اند که بتوانند روی پای خود بایستند و عملیات‌های مختلفی را براساس توان و اعتقادات خود و همچنین معادلات منطقه اجرایی کنند چراکه پس از حمله آمریکا به عراق، معادله مقاومت و دموکراسی در منطقه شکل گرفته است و هر روز این دو با یکدیگر رقابت می‌کنند و این معادله برای خود ادبیات جدید و رقابت‌ها و چالش‌های جدید ایجاد کرده است و اگر این‌ها را در کنار هم قرار دهیم، عملیات ۷ اکتبر نمی‌تواند تاثیر ایرانی داشته باشد و این نگاه و تفکری که قاتل به مبارزه با اسرائیل است تنها از ایران الهام گرفته باشد. نکته پایانی این است که اگر شرط‌نخ تحولات در منطقه ما به نفع نیروهای مقاومت شکل گرفته است، این به معنای قابلیت و توان کانون‌های مختلف مقاومت در منطقه است که به بلوغ رسیده‌اند که در نتیجه بالندگی حوزه سیاست خارجی ماست که توانستند این فرصت را در منطقه ایجاد کنند تا هر کدام از ارکان مقاومت، یک مرکز تصمیم‌گیری مستقل برای تحولات منطقه باشد.

ایران همچنین در این فاز، نخست تلاش کرد تا ضمن حفظ حریم خود با صحنه جنگ، جایگاه تضعیف‌شده خود در معادلات منطقه‌ای را نیز احیا کند و به همین منظور نیز وزیر امور خارجه وقت مجموعه سفرهایی را به منطقه و مقر اروپایی سازمان ملل متحد برنامهریزی کرد تا تحولات فلسطین را با همتایان خود و رؤسای سازمان‌های بین‌المللی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. نخستین سفر منطقه‌ای امیرعبداللهیان در این رابطه به چهار کشور عراق، لبنان، سوریه و قطر صورت گرفت. این روند دیپلماتیک سفرهای وزیر امور خارجه فقید تا زمان حادثه بالگرد حامل او و رئیس‌جمهور پیشین ادامه داشت.

### فاز دوم: مدیریت بحران

آغاز دومین فاز استراتژی اتخاذشده از سوی تهران را می‌توان در بهمن‌ماه ۱۴۰۲ و در نقطه‌ای دانست که یک حمله پهنابادی به پایگاه نظامی ایالات متحده معروف به برج ۲۲، در شمال شرقی اردن و نزدیک مرز سوریه، منجر به کشته شدن سه نظامی آمریکایی شد. این حمله که از سوی کتائب حزب‌الله، یکی از گروه‌های مقاومت عراقی صورت گرفته بود، واکنش شدید کاخ سفید را به همراه داشت و جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «من آن‌ها (ایران) را به علت تأمین تسلیحاتی مسببان این حمله مسئول می‌دانم». این سخنان رئیس‌جمهور ایالات متحده موجب شد تا برخی از تحلیلگران نسبت به پاسخ مستقیم واشنگتن به تهران در واکنش به این عملیات محور مقاومت عراق هشدار بدهند اما بار دیگر با فعال شدن دیپلماسی پشت پرده، آمریکا تنها به حمله به پایگاه‌های کتائب حزب‌الله در خاک عراق بسنده کرد. نقطه عطف این دیپلماسی اما در همین ماه در جایی رقم خورد که کتائب حزب‌الله در بیانیه‌ای از تعلیق عملیات نظامی علیه نیروهای آمریکایی

اخباری که در روزهای آینده منتشر شد اما ابعاد جدیدی را از مراحل نهایی شدن این تصمیم فاش کرد و نشان داد که حتی دفتر سیاسی حماس به‌رغم آنکه از کلیت تصمیم فرماندهان گردان عزالدین قسام آگاه بوده اما از زمان دقیق عملیات اطلاعی نداشته است. در گزارشی که نشریه فیگارو در دی‌ماه سال گذشته در خصوص جزئیات عملیات حماس منتشر کرد، آمده که «نه تنها حزب‌الله و ایران که حتی رهبران حماس در کشورهای دیگر هم از طرح حمله به اسرائیل مطلع نبودند. بنا به این گزارش یحیی سنوار تلاش کرده است این عملیات را کاملاً محرمانه نگه دارد تا جلوی فاش شدن احتمالی آن را بگیرد و احتمالاً تنها محمد ضیف و محمد سنوار از انجام این عملیات مطلع بوده‌اند».

رهبر انقلاب نیز در روز ۱۸ مهرماه یعنی سه‌روز پس از عملیات حماس، در سخنانی گفتند: «حامیان رژیم و بعضی از افراد خود رژیم غاصب، یاهو گویی‌هایی در این دو سه روز کرده‌اند و ادامه دارد، از جمله اینکه ایران اسلامی را پشت این حرکت معرفی می‌کنند؛ اشتباه می‌کنند. البته ما از فلسطین دفاع می‌کنیم، ما از مبارزات دفاع می‌کنیم، ما پیشانی و بازوی طراحان مدبر و هوشمند و جوانان شجاع فلسطینی را می‌بوسیم، ما به آنها افتخار می‌کنیم؛ این هست، اما آن‌هایی که می‌گویند کار فلسطینی‌ها ناشی از غیرفلسطینی‌ها است، ملت فلسطین را نشناخته‌اند، ملت فلسطین را دست‌کم گرفته‌اند؛ اشتباه‌شان در همین است؛ اینجا هم محاسبه غلط می‌کنند. البته همه دنیا اسلام موظف است که از فلسطینی‌ها حمایت کند و به‌اذن الله حمایت هم خواهد کرد، اما این کار، کار خود فلسطینی‌ها است؛ طراحان هوشمند، جوانان شجاع، فعالان از‌جان‌گذشته توانسته‌اند این حماسه را به وجود بیاورند و این حماسه ان‌شاء‌الله گام‌بزرگی برای نجات فلسطین خواهد بود».

حسن لاسجودی، تحلیلگر مسائل خاورمیانه در تشریح ابعاد این راهبرد جمهوری اسلامی ایران به هم‌میهن گفت: «با توجه به اینکه عملیات ۷ اکتبر، یک عملیات بی‌نظیر از حوزه نظامی و همچنین تأثیرگذاری بر معادلات منطقه بود، به همان اندازه نیز توانسته بر روی جنبش‌های منطقه تأثیر بگذارد. در حقیقت اهمیت این عملیات به این علت است که بسیاری از کشورهای منطقه و جهان را به خود درگیر کرده است و همین امر نیز موجب شده تا موضوع اصلی یعنی مناقشه اسرائیل و فلسطین را نیز با چالش مواجه کند. اینکه تهران از ابتدا تلاش کرد تا فاصله خود را از صحنه جنگ حفظ کند یک واقعیت است چراکه غرب القای وابستگی این عملیات به ایران را در دستور کار قرار داده بود اما در اصل کانون‌های مختلف مقاومت منطقه به این علت که دارای جوش و خروش و انرژی آزاده شده است، هرکدام دارای حیات سیاسی دارند و بنابراین نمی‌توان هر تحول مرتبط با این کانون‌ها را به ایران مرتبط دانست اما در مناسبات سیاسی است که رقبای ما برای تنگنا قرار دادن جمهوری اسلامی ایران، تهران را مسئول تمامی این تحولات معرفی می‌کنند. نکته مهمتر دیگر این است



فاطمه کلانتری  
خبرنگار گروه دیپلماسی

**ایران همچنین در این فاز نخست تلاش کرد تا ضمن حفظ حریم خود با صحنه جنگ، جایگاه تضعیف‌شده خود در معادلات منطقه‌ای را نیز احیا کند و به همین منظور نیز وزیر امور خارجه وقت مجموعه سفرهایی را به منطقه و مقر اروپایی سازمان ملل متحد برنامهریزی کرد تا تحولات فلسطین را با همتایان خود و رؤسای سازمان‌های بین‌المللی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.**

جهان، خاورمیانه و صحنه نبرد غزه و جنوب لبنان در حالی به سالگرد عملیات طوفان الاقصی نزدیک می‌شوند که تحولات بیش از ۱۱ ماه گذشته، منطقه را چنان دستخوش تغییر کرده است که شاید دیگر بتوان از خاورمیانه پس‌اکتبر ۲۰۲۳، با عنوان خاورمیانه جدید یاد کرد؛ و این در حالی است که هیچ افق روشنی نیز برای پایان جنگ وجود ندارد.

از ساعات نخست روز ۷ اکتبر که کماندوهای گردان‌های عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس در چارچوب عملیات طوفان الاقصی با پوشش رگباری از موشک‌ها از نوار محاصره‌شده غزه به شهرک‌های صهیونیست‌نشین نفوذ کرده و یک حمله غافلگیرانه بی‌سابقه را در تعطیلات بزرگ اسرائیلی‌ها رقم زدند؛ که موج این طوفان کل خاورمیانه را نیز دربرگرفت. همین امر نیز موجب شد تا کشورهای منطقه برای مصون نگاه داشتن خود از تبعات آن از یک سو و همچنین حفظ جایگاه خود در معادلات خاورمیانه جدید، استراتژی‌های مشخصی را دنبال کنند.

جمهوری اسلامی ایران نیز که همچون سایر کشورهای منطقه و جهان از آنچه در اراضی اشغالی فلسطین به وقوع پیوست، غافلگیر شده بود، در نخستین واکنش، ضمن استقبال از عملیات مقاومت فلسطین، بر موضوع عدم اطلاع خود تأکید کرد. ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران شب‌شب و در نخستین واکنش‌های تهران به تحولات اراضی اشغالی، عملیات طوفان الاقصی را حرکت خودجوش گروه‌های مقاومت و ملت مظلوم فلسطین در دفاع از حقوق مسلم و انکارناپذیر خود و واکنش طبیعی آنان نسبت به سیاست‌های جنگ‌افروزی، تحریک‌آمیز و آتش‌افروزی صهیونیست‌ها به‌ویژه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر افراطی و ماجراجوی رژیم غاصب صهیونیستی خواند.

### فاز نخست: پرهیز از دام جنگ

در همان ساعات نخست ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بود که انگشت اتهام برنامهریزی، هدایت و مدیریت عملیاتی که حماس در اراضی اشغالی فلسطین آغاز کرده بود، جمهوری اسلامی ایران را نشانه گرفت. بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران غربی بر این باور بودند که حماس به‌عنوان دریافت‌کننده کمک‌های نظامی و مالی ایران، قطعاً تهران را در جریان تصمیم خود برای اجرای عملیات قرار داده و اجرای آن نیز با مدیریت و حمایت از تهران آغاز شده است؛ شائبه‌ای که آغاز عملیات‌های حزب‌الله لبنان به‌عنوان نزدیکترین رکن محور مقاومت به ایران از ۸ اکتبر یعنی یک روز پس از آغاز جنگ در غزه نیز به آن دامن زد. با این حال، سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله نیز در سخنانی، عملیات طوفان الاقصی را تصمیمی کاملاً فلسطینی دانست و گفت: «عملیات بزرگ و گسترده حماس تنها نتیجه برنامهریزی و اجرای فلسطینی‌ها بود. این رازداری بزرگ باعث شد تا این عملیات، بسیار موفقیت‌آمیز باشد.»



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

## ARAB NEWS

### آینده روابط ایران و چین

در چند سال گذشته، ایران و چین همکاری‌های دیرینه خود را به یک شراکت اقتصادی قدرتمند گسترش داده‌اند. چین به اصلی‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شده و ضمن واردات مقادیر قابل توجهی نفت از ایران، کالاهای صنعتی کلیدی را به این کشور صادر کرده است. این شراکت به سود نیازهای انرژی چین است و در عین حال از اهداف گسترده توسعه‌ای این کشور حمایت می‌کند. ابتکار «کمربند و جاده» که اهمیت استراتژیک بالایی برای چین دارد، ایران را به عنوان یک بازیگر کلیدی در طرح‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک در نظر می‌گیرد. در عین حال، سیاست چرخش به شرق تهران نشان‌دهنده تمرکز استراتژیک این کشور بر تقویت روابط با چین و دیگر کشورهای آسیایی است. به دنبال سفر سال ۲۰۱۶ شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین به تهران که در طی آن وی با آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری ایران دیدار کرد، دو کشور به تقویت همکاری‌ها با هدف رساندن حجم روابط تجاری دوجانبه به رقم ۶۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۶ متعهد شدند. این شراکت در مارس ۲۰۲۱ با امضای موافقتنامه جامع شراکت استراتژیک ۲۵ ساله ایران و چین یک گام مهم روبه جلو برداشت. به گفته منابع ایرانی، چین قول داده که در قالب این توافق ۴۰ میلیارد دلار در زیرساخت‌های نفت، گاز و حمل و نقل ایران سرمایه‌گذاری نماید. روابط اقتصادی بین ایران و چین اغلب غیرمتوازن و مواجه با مشکلات متعدد توصیف شده است. چند اتفاق اخیر از جمله جنگ اوکراین، درگیری‌ها در خاورمیانه و به‌ویژه غزه، عدم امکان احیای توافق هسته‌ای و تشدید تحریم‌ها علیه ایران پیچیدگی قابل توجهی به این شراکت بخشیده است. در ژانویه ۲۰۲۳، حجم تجارت دوجانبه ماهانه دو کشور به ۱/۲۶ میلیارد دلار رسید، اما در ماه فوریه این رقم به ۸۲۲ میلیون دلار کاهش یافت که به معنای افتی ۳۴ درصدی بود. صادرات چین به ایران نیز شاهد کاهش شدیدی بود و از ۹۲۱ میلیون دلار در ماه ژانویه به ۴۸۹ میلیون دلار در فوریه رسید که عمدتاً ناشی از کاهش خرید ماشین‌آلات، تجهیزات الکتریکی و خودرو توسط ایران بود. در همان ماه، این سه بخش ۳۰۷ میلیون دلار از صادرات چین را به خود اختصاص دادند که ۲۲۴ میلیون دلار نسبت به ماه قبل کاهش نشان می‌داد. در همین حال واردات کالاهای ایرانی توسط چین تغییر اندکی را شاهد بود و از ۳۲۶ میلیون به ۳۶۲ میلیون دلار رسید. موازنه تجاری نیز بیش از پیش به نفع چین متمایل شده که تا حدی ناشی از عدم وجود آمارهای خرید نفت از ایران بوده است. بر اساس آمارهای دفتر گمرکات چین، صادرات این کشور به ایران در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال قبل از آن شاهد ۸/۶ درصد کاهش بود. در سال ۲۰۲۲ این رقم به ۹/۲۷ میلیارد دلار رسیده بود. واردات از ایران شاهد کاهش شدیدی بود و از ۶/۲۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ به ۴/۵۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ رسید که به معنای کاهش ۲۷ درصدی بود. این موضوع موجب شد تا موازنه تجاری تقریباً ۵/۵ میلیارد دلاری به نفع چین رقم بخورد. در فاصله ژانویه تا مارس ۲۰۲۴ چین ۱/۲ میلیون کالا از ایران خریداری کرد که کاهش ۳ درصدی داشت. در ارزیابی آینده روابط ایران و چین، دو سناریوی احتمالی مطرح می‌شود. در سناریوی نخست انتظار می‌رود مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور جدید ایران تمرکز رهبری این کشور را بر همکاری‌ها با قدرت‌های شرقی و به‌ویژه چین حفظ نماید و در عین حال به دنبال پیشبرد نگاه خودمبنی بر گشایش بیشتر روابط با غرب برود. در سناریوی دوم، روابط اقتصادی بین ایران و چین ممکن است معتدل باقی بماند و چین از ادامه خرید نفت از ایران اطمینان حاصل کند، اما در عین حال روابط را به شکلی محتاطانه پیش ببرد. به‌رغم اشتیاق ایران به شراکت استراتژیک با چین، یکن ممکن است رویکرد محتاطانه‌تری را به منظور اجتناب از افزایش تنش‌ها با ایالات متحده در پیش بگیرد و در عین حال به روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس نظیر عربستان و امارات اولویت بیشتری بدهد. چنین سناریویی به معنای کاهش چشمگیر روابط اقتصادی با ایران و تداوم شراکت دو کشور در زمینه‌های کمتر علنی به منظور متوازن ساختن ملاحظات ژئوپلیتیک گسترده‌تر چین خواهد بود.